

خلاصه کتاب فلسفه حقوق بشر است. جوانی کامل

* نخستین گام در بررسی حقوق بشر، حق شناسی است.

تعریف حق ← لغوی: کلمه حق واژه‌های عربی است و معادل فارسی آن «حقیقی یا یاری» است.

اصطلاحی: حقوق عبارت است از مجموعه قواعد و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسانو
حکیم، برای برقراری نظم و قسط و عدل در پیمان بشری تدوین شود تا ساد جامعه را
زنده سازد.

تفاوت حکم با حق ← در حق بشر اختیار دارد که آنرا استیفاء کند برخلاف حکم که بشر باید آنرا رعایت کند.

* حقوق بشر را می‌توان صرفاً با قرار داد تدوین کرد زیرا همانند آداب و رسوم‌های ملی نیست که در زمره اعتبارات
حقی قرار بگیرد و نزدمت‌های گوناگون متفاوت باشد.

* بشر دارای رابطای اصیل باجهت است که صافی آن با تفاوت زمانها و مکانها درگون یعنی شود و حقوق
بشر نیز مبتنی بر همین رابطه یاری است.

* برای تدوین حقوق بشر به منبع مشترک نیاز داریم تا اصول و خطوط کلی را برای تنظیم حقوق
بشر دانسته باشیم. دو ویژگی مهم منبع مشترک وجود نیکی‌ها و
یاری بود.

* آداب و عرف و همانند آن می‌توانند منبع حقوق بشر باشند زیرا همگی از دو ویژگی را ندارند
خوب است

* انسان نمی‌تواند حقوق بشر را تعیین کند زیرا → برای تعیین حقوق بشر، باید نخست به طور کامل انسان را شناخت

انسانیت منابع حقوق بشر بدو بخش شناخت گذشته و آینده جهت جمع نیست

انسان نمی‌تواند معیار تشخیص «تفلا احسن» باشد

مسئله آن که در توانمندی بشر هست → چهل زندانی و
و مورد آلوده‌های شخصی

تفصیلی
و انوننداری، حق خداوند است و پس از آن؛ زیرا

اولاً؛ هیچکس از مسلمات را که بشر برای و انوننداری را دست را ندارد

ثانیاً؛ منبع دارای دو ویژگی مذکور قبل است (سوره روم آیه ۳۰)؛ و اولی از شماست از فطرت وحی است.

مالکاً: دو برهان انبساط حق مانورنگاری
برای خدا

اشکاء در طول راه تکامل خود برای ارتباط تلافی با هستی است. (۱)
از این رو با پروردگار خود نیز برای پیشرفت در مسیر در ارتباط است.
نتیجه: تقویت حقوق بشر که گاهی در هم میسر است باید از سرور میباید حق
باشد.

مقدمه تقویت حقوق بشر شناخت کامل انسان و نیازهای او است.
تنها خداست که نسبت به همه ابعاد انسان آگاهی دارد.

نتیجه: تنها خداست که می تواند به تقویت حقوق بشر بپردازد.

رایباً: خداوند «حق» است و تنها حق محض است که می تواند حق هر موجودی را بر او عملاند.
نامسا: توانی غیر الهی نارسا، ناقص و ناموفقند.

* سه مرحله برای تدوین حقوق بشر
→ شناخت درست منابع
→ استخراج مبانی حقوقی از منابع
→ پدیدت آوری مواد حقوقی با استفاده از مبانی

* نقش هدف حقوق ملک به اجرای مبانی حقوق است → اگر هدف حقوق در صیغه نباشد مبانی دارا نیستند اجرا
تفاوت هدف و مبنا: هدف آن است که نه انجام آن واجب و نه ترک آن حرام است. مثال: بخت و طلاق
مبنا: که انجام آن حرام است. مثال: برقراری عدالت

* عمل اصلاً مانورنگاری الهی و مانوی گویند هیچ چیز جز ماده و اتمیت نیست و هر چه بخسوس نباشد خرافات
اولی مانورنگار الهی منبع حقوق را منحصر در ماده یعنی رازد

* پایه های اعتقادی حقوق بشر اسلام
اشکاء در تلامذ قرآن
→ اشکاء موجودی ابدی است
→ طبیعتاً استخداگر است نه قانونمند
→ وظیفه اشکان در برابر نعمت های الهی
→ قرآن کتاب راهنمای انسان است
→ با مخالفان اعتقادی، نخست باید برادرانه برخورد کرد
→ اشکاء دارای دودستگاه نیز هستند در آن نظری و رفتاری است
→ بعضی خانواده جهانی برای حقوق ویژه خوداند و
→ مسلمان ۳۰ ملیت غیر مسلمان ۳۰ ملیت
در قلمرو حقوق اسلامی
→ اسلام برای همه اعضای خانواده جهانی پیام دارد
→ اسلام بر احترام به عهد ها و سوگندها پافشاری می کند
→ مسلمانان معتقدند خانواده جهانی را به حق (اسلام) دعوت کنند
جای دارند

* میان حقوق بشر در اسلام

- انسان گهروی کریم و ارزنده است
- انسان موجودی خدا جو است
- انسان موجودی جاودان است
- انسان سرانجام به دارالقرار می رسد
- انسان با عجز و همت پیوندی تکلیفی دارد
- انسان دارای دو حیثیت فردی و اجتماعی است

* میان حقوق بشر در اسلام

- حیات
 - حیات حق و وظیفه ای برای همگان است
 - انسان حیات جمادی با تفسیر شرعی اولی تغییر می کند
 - معنوع =
 - تغی کند =
 - اسلام مأموران خویش را ممنوع ساخته است
- آزادی
 - انسان پیامبر پیامدار آزادی بشر پوره اند
 - آزادی در اسلام: رهاسدن از بردگی و اطاعت غیر خدا
 - ملکیت بیکدیگر تواناها طایفه انسان در انتاب هر چیز
 - درنگاه مکران آزادی مقدم حیات است

عدل

- تعریف: قرار دادن هر چیزی در سر جای خودش
- عدل یکی از اهداف پیامبر بوده است.
- عدل اصلی همه گستر است.

* میان حقوق بشر در "رساله انبیا (ع)"

- فلسفه حقوق بشر
- باین همه حقوق، حق توحید است.
- تستی حقیقت بر فراز حقوق دیگر از آن یاد شده حق خداوند است.
- حق خویشیت بر خود: انسان مالک خود نیست که هرگون بخواند در خود تصرف کند.

مطلوبه تحقیق

۱- مالکیت در نهادهای اراضی اختصاص است که در آن شخص حقوق واقعی داشته باشد

در مورد زمین آن از حقوق خاص برخوردار است

۱- مالکیت را بر این بنا ← مالکیت در این خصوص

- ۱- ارتقا یا انحطاط با اجزا اصلی یا اجزای ثانویه
- ۲- ارتقا یا انحطاط با اجزا حقیقی و قانونی
- ۳- سررسید تحقق این امر در صورت

۲- حقوق زن
۱- ملک غیر الله ← زن را به حاکم عرضه کنند تا از این راه زن به حاکم برسد
دست یابند

۲- ملک الله ← من را آزاره کند در تمام عطف خود یعنی به اسبابها مثل مهر یا عده تا آنها را برسد دهد

۳- آه در حق دینی کودک
۱- ملک غیر الله ← اعلامیه عبادت حقوق بشر → هیچ کس به ما نیست
اعتقاد خود را به کودک ندارد و او را بر دین و راه که خود برگزیده
بیر دینی دهد. برای من که کودک آزاد است تا این از طریق حکمهای
را که خواهد انبساط کند.

۲- ملک الله ← معقولات که با درها، دینها / ایتها یا کودک همراه
است و در سرست او همین شده است در این
وظیفه والدین است تا از آن پاسداری کنند

در ابایی نظام حقوق بشر
در اسلام

۱- تمرکز زیر سازههای داخلی، مابلی، خارجی

۲- تهران دینوری ← و این تمرکز تمرکز است

۳- تمرکز داری از همانته اجراء ← بیجا / های ضمانت اجراء
۱- هر این از سر صد نزدیک دین
۲- بیم از کفر

۴- حایاه اخلاق در بایستی به قانون / در نظر حقوقی اسلام
از رهگذر بایستی به ارزشها، احکام، ضمانت اجراء
حق استن حقوقی تا همین که در

۵- سازباری و هماهنگی ← نظام حقوق بشر در اسلام از انبساط و وسعت برخوردار است

۵- تناسب در اعلام: امر استثنایی

۱- تراغی و ارضی کرده در مورد چیست ؟
 یکه از جامع حقوق بشر با عنوان تراغی و ارضی است
 ولی آنچه در نظر عمده است تراغی دولت ها است
 ولی اسلام تراغی دولت ها در امر تراغی و ارضی دارد
 ۲- بی تفاوتی در تقسیم و تطبیق است در صورت
 در رساله حقوق بشر بعضی موارد وجود ندارد که
 در نظام اسلام ها هستند و بیاید برآورد با هم
 و در هر دو ای و از ه ما با نظر اسلام مطابق است

تفاوت حدود

بشر

۲- از ادعای اعلی و قدری حایباً باید از حق سخط رفت

یعنی برداری
 قائله / نویسی
 احرا

در اعلامیه حقوق جهان بشر نامه از لحاظ سخط برداری در قانون نویسی و یاد
 دلتزیب باشد اما آیا از لحاظ احرا نیز جزب است یا نوی تکلف از آن صایر

۳- کساستی ها بنیادین حقوق جهان بشر ۱- کساستی از حقوق

۲- مختلف از ارتباط است/ در جمله
 و مختلف از ارتباط است/ با احرا

۱- بر ماسد میزان چه / که هستند ؟ : هیأت مدبره این

تشکیلات غیردینی خود جدا هستند غیر دینی اند
 غارت و قتل کارنامه های میاه دارند

۲- تعیض در اجرای قوانین در این اعلامیه

قوانین غیر خودم که دارای بود تعیض و بی تقف
 حقش را ملتی ضامن است